

پیشینه و اهمیت بزرگراه لاجورد برای افغانستان

ذکرالله راحل^۱

^۱عضو کادر علمی (هیئت علمی) گروه تاریخ دانشگاه سمنگان، افغانستان

نویسنده مسئول:

ذکرالله راحل

مجله علمی پژوهش در علوم انسانی و مطالعات اجتماعی (سال ششم)
شماره ۲۰ / تابستان ۱۳۹۹ / ص ۲۲۲-۲۰۹

چکیده

اصطلاح راه لاجورد گرچند عنوان نسبتاً تازه ایست، اما از منظر تاریخی این لقب به مسیری گفته می‌شود که از حدود ۲۵۰۰ پیش از میلاد الی حوالی قرن ۱۵ میلادی گذرگاه گردشگران، مبلغان مذهبی، بازرگانان، به‌ویژه تاجران سنگ رنگین و زینتی لاجورد از بدخشان افغانستان به مقاصد آسیای مرکزی، جنوب قفقاز، فارس، بین‌النهرین، مصر باستان و قلمرو امپراتوری بیزانس بوده است. منبع بزرگ و منحصر به‌فرد این سنگ گران‌بها بدخشان افغانستان می‌باشد. هدف از طرح چنین مبحثی در این برهه حساس و سرنوشت‌ساز، گذشته از مزایای اقتصادی و پرستیژ سیاسی برای افغانستان، می‌تواند به‌عنوان احیای هویت مقتدر تاریخی افغانستان در منطقه تلقی گردیده و پاسخ قاطع و محکمی باشد در برابر فشارها و تنگناهای پاکستان و برخی کشورهای دیگر، که هر از گاهی با بستن دروازه‌های شان بر روی دولت و مردم افغانستان خواستار امتیازات غیر عادلانه و خلاف حسن همجواری گردیده‌اند. از جمله نکات مهمی که می‌توان در مبحث راه لاجورد پیرامون آن به بحث پرداخت عبارت خواهند بود از: راه‌اندازی گفتمان فرهنگی ملی و بین‌المللی راه لاجورد و بازیابی ظرفیت کثرت‌گرایی فرهنگی افغانستان در منطقه، شناسایی توانایی‌ها و منابع بالقوه اقتصادی، جیوپولیتیک و ترانزیتی افغانستان به هدف بکارگیری حرفوی و هوشیارانه این داشته‌ها در جهت ساختن یک افغانستان نیرومندتر و کاهش وابستگی‌های ترانزیتی پرهزینه به پاکستان و ایران و در نتیجه احیای هویت اصیل این سرزمین به‌عنوان چهار راه و پیونددهنده تمدن‌ها و فرهنگ‌های چهار گوشه جهان، که روزگاری همچون قلب زنده‌ای در پیکر آسیا می‌تپید و لاجوردش از مصر کهن حدود چهار هزار سال پیش از امروز تا بیزانس، زینت‌افزای سیمای خاص و عام بود.

واژگان کلیدی: راه لاجورد، اقتصاد افغانستان، گفتمان فرهنگی، هویت تاریخی، اقتدار ملی.

مقدمه

افغانستان از دورترین روزگاران تاریخ به عنوان دهلیز ترانزیتی و نقطه اتصال کشورهای متمدن دنیای باستان بوده است. راه ابرایشم که قرن‌ها به مثابه پیونددهنده مادی و معنوی جوامع در دنیای قدیم مورد استفاده قرار می‌گرفت، از بستر همین سرزمین عبور می‌نمود. همچنین راه لاجورد نیز ریشه در آب و خاک تاریخ این مرز و بوم دارد. بزرگراهی که از حدود ۴۵۰۰ سال پیش از امروز لاجورد بدخشان از طریق آن به سرزمین‌های دیگر انتقال می‌یافت، اکنون در قرن ۲۱ با ابتکار و دیپلماسی فعال دولت وحدت ملی افغانستان بعد از چهار سال مذاکره با دولت‌های واقع در این مسیر مجدداً گشایش یافت. افتتاح راه لاجورد و باز شدن و انکشاف بندر چابهار را می‌توان نقطه عطفی در تاریخ معاصر افغانستان دانست. از جمله مزیت‌های ترانزیتی، اقتصادی، سیاسی، امنیتی و حیثیتی راه لاجورد عبارت خواهند بود از: کاهش فشارهای ترانزیتی از مسیرهای پاکستان و ایران و همچنین ایجاد تکیه‌گاه و عقبه نسبتاً مطمئن ترانزیتی برای افغانستانی که به علل جبرهای تاریخی و جغرافیایی در خشکی محصور مانده است. تشویق و جلب توجه سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی جهت سرمایه‌گذاری در پروژه‌های مرتبط به راه لاجورد، جستجو و کشف مارکیت‌های جدید و متفاوت تجارتي برای اقلام صادراتی افغانستان، از جمله داشته‌های معدنی و پیدوار زراعتی و تقویه بنیه صادراتی کشور؛ ایجاد نقطه وصل و هماهنگی میان کشورهای منطقه جهت حمایت از انکشاف اقتصادی و ثبات سیاسی در افغانستان، معرفی چهره و سیمای متفاوت‌تر و مثبت‌تری از افغانستان برای جهانی که تا هنوز افغانستان را بیشتر از منظر آکنده از ویروس‌های تروریسم و افراطیت نگاه کرده اند.

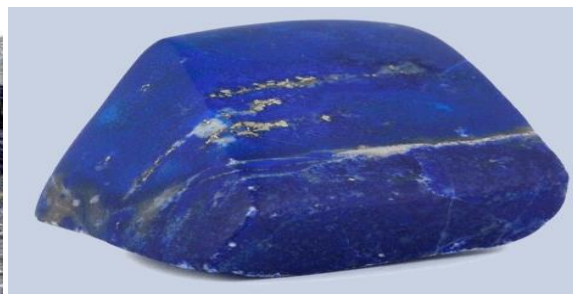
ایجاد چنین روزنه و راه بدیل، که بتواند روزی افغانستان را از گروگان ترانزیتی همسایه‌های جنوبی و غربی نجات دهد، آرزوی دیرین همه افغان‌ها بود، که خوش‌بختانه با تلاش‌های حکومت وحدت ملی این آرمان به ثمر نشست و ما امروز و فردا می‌توانیم با داشته‌های گران‌بها و ناب این سرزمین از آدرس مستقیم افغانستان وارد کشورها و جوامع آن‌سوی ابحار و خشکی‌ها شویم و داشته‌های مادی و معنوی این مرز پرگر را با جهانیان شریک سازیم و از اندوخته‌های مادی و معنوی ملل دیگر در جهت ساختن یک افغانستان سربلند، نیرومند، باثبات و پیشرفته استفاده نماییم.

بزرگ‌راه لاجورد در بستر تاریخ

آنچه امروزه گواه موجودیت یک راه کهن و تاریخی به نام لاجورد، که از بدخشان افغانستان سرچشمه می‌گیرد، عبارت از اسناد و شواهد متعدد تاریخی و اعتراف تاریخ نگاران غیر افغانستانی می‌باشد. در آغازین مبحث این مقاله به برخی شواهد تاریخی مرتبط به راه لاجورد می‌پردازیم. از میان تمام سنگ‌های شناخته‌شده در دوران باستان لاجورد زیباترین و گران‌بهاترین سنگ تزیینی بوده است. این سنگ، که به طلای‌آبی نیز معروف است، در ساخت گلدان، گردنبند، موزاییک و کارهای تزیینی به کار می‌رفت و از جمله کمیاب‌ترین و قیمتی‌ترین گوهرها شمرده می‌شد. احتمالاً در گذشته از طلا با ارزش‌تر بوده و همچون سنگ قیمتی سلطنتی به‌شمار می‌رفته است. تجارت این سنگ آبی‌رنگ که از معدن‌های بدخشان به دست می‌آید دارای سابقه بسیار طولانی بوده و گفته می‌شود که به بیش از پنج هزار سال پیش برمی‌گردد. استفاده از لاجورد از کهن‌ترین دوران تاریخ جهان تا اکنون متداول بوده است. سنگ لاجورد و زیورات دیگر در جوامع انسانی در عصر برنز (سده سوم قبل از میلاد) همچون شهر (گنر) در پایین رود آمو و دره سند (اندوس) واقع در شهر هاراپا (شهری در هند قدیم) استخراج گردیده است. این سنگ تزیینی در مقبره‌های سلطنتی سامری‌ها (۲۶۰۰ - ۱۴۰۰ ق.م) در جنوب عراق نیز مورد استفاده قرار گرفته است. لاجورد هزار سال بعد همچون عنصری مهم در قالب صورت مرده گان، حجاری تابوت‌های سنگی و در اثاثیه که در مقبره فرعون مصر، توت آنخ آمون (شاه مصر باستان حدود ۱۳۵۵ ق.م) دفن شده بود استفاده شده است. گرچند واژه لاجورد فارسی می‌باشد اما در زبان عربی نیز کاربرد داشته و یکی از معانی آن در عربی به مفهوم «آسمان» به کار رفته است، این نام شاید برای سنگی، که دارای رنگ آبی غلیظ است چندان بی‌مناسبت نباشد. به استثناء افغانستان منابع بسیار کمی از سنگ لاجورد در جهان موجود می‌باشد. لاجورد از کوه‌های دور دست (سایان) نزدیک دریای بایکال در مرز مغولستان و یک نوع لاجورد کم‌رنگ در کوه‌های (اندیز) کشور چیلی در امریکای جنوبی نیز استخراج می‌گردد. رسوبات نوعی لاجورد تقریباً سیاه‌رنگ در کوه‌های کالیفرنیا کشور امریکا وجود دارد. کشور های کانادا، برما، آنگولا و پاکستان نیز مقدار اندکی از این کانی کمیاب دارند. اما معدن سنگ لاجورد بدخشان بزرگ‌ترین و پرحاصل‌ترین معدن لاجورد در جهان می‌باشد و احتمالاً تنها منبع سنگ شناخته‌شده در دوران باستان بوده است.



[۲۷] شکل ۲، لاجورد در ترکیب سنگ



[۲۷] شکل ۱، لاجورد صیقل شده

تقاضای زیاد و مرغوبیت لاجورد تداعی کننده این امر است که حاکمانی که بر معدن بدخشان تسلط داشتند مواد آنرا در انحصار خود داشتند و آنان از طریق تجارت لاجورد در مدت زمان کوتاه ثروت هنگفتی به دست می آوردند. بیشتر اوقات استخراج و فروش لاجورد در انحصار دولت قرار داشت. فقط افرادی که از فرمانروایان محلی جواز رسمی داشتند، مجاز به استخراج لاجورد بودند. بدون تردید کارگران معدن برای دریافت جواز مقدار هنگفتی پول به حکومت پرداخت می کردند. هر کسی که بدون داشتن جواز حین استخراج لاجورد دستگیر می شد به اعدام محکوم می گردید.

صادرات سنگ لاجورد شدیداً کنترل می شد تا فقط دولت از آن مستفید شود. برخی ها بر این باورند که، در زمان های قدیم حاکمان به منظور بالابردن قیمت لاجورد، تجارت این سنگ را محدود می کردند، سنگ های استخراج شده را ذخیره کرده و زمانی که قیمت لاجورد بالا می رفت آن ها را می فروختند. انتقالات سنگ های لاجورد و مواد قیمتی دیگر از قبیل لعل و طلا که از رسوبات ته نشین شده در بستر دریای کوکچه استخراج می گردید از طریق شهر یونانی (آی خانم) نظارت می گردید. گفتنی است، که شهر مذکور حدوداً در سال (۳۰۰ ق.م) تأسیس گردید و در محل اتصال دریای کوکچه و حوزه بالایی آمو دریا موقعیت داشت. در دوران باستان سنگ لاجورد برای بسیاری از مردم اهمیت مذهبی نیز داشت. در بین النهرین لاجورد با پرستش الهه ماه (اینانا) مرتبط بود و شاید در آسیای مرکزی هم مردم معتقد به وجود رابطه بین ماه و لاجورد بودند. ترک ها و دیگر مردم آسیای مرکزی هنوز هم لاجورد، فیروزه و دیگر سنگ های آبی را برای حفاظت خود از «چشم بد» استفاده می کنند، که این سنت شاید با عقیده باستانی مبنی بر ارتباط بین ماه و سرنوشت انسان پیوند داشته باشد. در مصر باستان لاجورد با اِلَه های آسمان، مرتبط بود، در حالی که در آیین بودایی و بسیاری از فرهنگ های دیگر لاجورد به حیث سنگ شفابخش پنداشته می شده است. روایت شده است که در آیین بودایی تبت یکی از «آواتار» (تجسم های بودا) مشهور به «دوای بودا» بدنی به رنگ لاجورد دارد. در آیین یهودیت لاجورد از جمله ۱۲ سنگ مقدس بوده و زره سینه کاهن اعظم یهود مزین به آن بود، در حالی که در مصر باستان، قضات آویزه هایی از لاجورد می پوشیدند که برای شان علامت اداری محسوب می شد. در مصر باستان و اروپای قرون وسطی لاجورد منحصراً «سنگ مانع شونده» مشهور بود و زنان برای جلوگیری از سقط جنین تعویذی از لاجورد می پوشیدند.

غیر از استفاده در جواهرات، تزیینات و طلسم، از لاجورد استفاده های بسیار زیادی صورت گرفته است. برای نمونه مصریان باستان لاجورد را تبدیل به پودر کرده و همچون سرمه چشم از آن استفاده می نمودند. پیش از ساخت رنگ های مصنوعی، نقاشان از پودر لاجورد به حیث رنگ آبی غلیظ استفاده می کردند. استفاده از لاجورد در بین نقاشان بودایی رایج بود و احتمالاً در نقاشی های اطراف مجسمه های بودا در بامیان نیز استفاده شده است. نقاشان عصر مغولان، تیموریان و دیگر نقاشان میناتوری از رنگدانه (پگمنت) لاجورد برای افزایش تأثیر استفاده می نمودند. در اروپا رنگدانه لاجورد را به نام «الترامارین» به معنی از آنسوی دریا می نامیدند. برای تولید این رنگدانه به خالص ترین سنگ لاجورد ضرورت بود و آسیاب کردن و پروسس لاجورد کار دشوار و پرهزینه بود. اگر در زمان پروسه تولید دقت کافی به خرج داده نمی شد، رنگدانه خراب شده و جنس مورد نظر که مسلماً قیمتی هم بود باید دور انداخته می شد. بناً رنگدانه الترامارین گران ترین رنگدانه برای نقاشان اروپایی بوده و به همین خاطر با دقت زیاد از آن استفاده می نمودند. معدن لاجورد در افغانستان که به نام معدن سرسنگ یاد می شود در بالای کوه های بدخشان نزدیک دریای کوکچه موقعیت دارد. دسترسی به این معدن همیشه دشوار بوده و هنوز هم دشوار است. دروازه ورودی معدن بیش از ۳۰۰ متر بالاتر از سطح دره و در بالاترین نقطه بیش از ۵۰۰۰ متر بالاتر از سطح دریا قرار دارد. معادن لاجورد بدخشان آن قدر مرتفع هستند، که بازدیدکنندگان اغلب دچار ناخوشی ارتفاع (یک نوع مریضی) می شوند. معادن لاجورد در بدخشان از جمله بهترین معادن دنیا می باشند [21].

پژوهش‌های باستان‌شناسی نشان می‌دهد، که قدامت تاریخی لاجورد افغانستان به بیش از شش هزار سال قبل از امروز می‌رسد. چنانچه تکامل صنعت استخراج معدن در جهان در هزاره دوم قبل از میلاد صورت گرفته است. در آن زمان معدن‌کاران تا به طول صد متر هم حفره می‌زدند و مس طبیعی را که به‌دست می‌آوردند در کوره‌های مخصوص می‌گداختند؛ چنانچه در جریان امور اکتشافی و برمه‌کاری معدن مس عینک لوگر در افغانستان برخی صوفها و مغاره‌های قدیم کشف گردیده است، که بر اساس اظهار نظر متخصصان باستان‌شناسی قبایلی، که در گرد و نواحی این معدن زندگی داشتند، از این معدن استفاده می‌نمودند. گرچه عمر قدامت سکه‌های مسی و سفال‌هایی که از اطراف این معدن به‌دست آمده ۱۲۰۰ سال قبل از امروز را نشان می‌دهد، با آنکه برای نخستین بار استخراج فلزات در خاورمیانه تحقق یافته اما افغانستان نیز دارای مدنیت‌های کهن تاریخی می‌باشد [8].

همچنین در مراوداتی که آریانا در زمانه‌های قبل از تاریخ و اعصار قدیم تاریخی با کشورهای کهن جهان داشته این نکته به‌صورت محقق روشن است و هیچ‌کس از وجود آن منکر شده نمی‌تواند و آن تجارت لاجورد افغانستان است. قرار شهادت مؤرخان پیشین، معدن لاجورد در زمان‌های باستان به استثنای شمال شرق آریانا، یعنی بدخشان امروزی در هیچ‌یک نقطه دیگر زمین پیدا نمی‌شد و محصول طبیعی بود منحصر به کشور ما. این معدن قیمت‌بها در دره یمگان بدخشان در نزدیکی راه «کران» و حوالی قریه «فرگامو» وجود دارد و هنوز هم استخراج و صادر می‌شود. مدققان در مطالعات خویش چه در زمان‌های قبل از تاریخ و چه در اعصار قدیم تاریخی هر جا که اثری از این سنگ قیمت‌بها یافته‌اند، نتیجه چنین گرفته‌اند، که مراودات تجارتي و رفت‌وآمد میان همان نقطه و گوشه شمال‌شرقی کشور ما برقرار بوده است. اینک به موادی اشاره می‌شود، که رد پای لاجورد افغانستان را در کهن‌ترین اعصار زندگی بشر نشان می‌دهد.

کشف اشیای کوچک لاجوردین از طبقه سوم به‌بعد، از تپه سیالک نزدیک در کاشان ایران، که به نیمه نخست هزاره چهارم پیش از میلاد برمی‌گردد و نیز به‌دست‌آمدن پارچه‌های گل از کاشان با نوشته‌های قبل از تاریخ، که با زیورات لاجوردی تزیین شده، یافت‌شدن اشیای طلایی و نقره‌یی از مقابر شاهان سلاله (اور) از سرزمین سومر، که در آن قطعات و نگینه‌های لاجورد به‌کار رفته است و نیز کشف صحنه‌های میتودولوژی و داستانی از آبدۀ موسوم به (علم)، که با صدف و عقیق سرخ و لاجورد آیین شده است، که پیشینه آن‌ها به هزاره چهارم قبل از میلاد می‌رسد. کشف اشیای لاجوردی از بین‌النهرین، در اوایل دوره ظهور رسم‌الخط (حوالی ۳۰۰-۳۵۰۰ ق. م) از طبقه که آن را «جمدت نصر» گویند. مشاهدۀ اشیای زیادی ساخته‌شده از لاجورد و یا تزیین‌شده با لاجورد در گور توت آنخ آمون (Toutankhammon)، که قدامت آن به حوالی ۱۴۰۰ ق. م می‌رسد. کشف آثار لاجورد از خزانه شوشیناک (Chouchinak) در عیلام با پیشینه حدود (۱۱۰۰ ق. م) [17].

هرچند در دوره‌های قدیم در سومر معدن کشف نشده بود، اما فلزکاران سومری در کار بر روی مواد وارداتی مهارت بسیار یافتند. کشف یک گاری مسی، که چهار گوره‌خر آن‌را می‌کشند، نشان می‌دهد، که صنعتگران سومری قالب‌ریزی فلز را می‌دانستند. پیکره یک بز نر، که بر قاب چوبین نصب شده و نماد باروری گیاهی و جانوری است، نشان می‌دهد، که چگونه صنعتگران سومری طلا، نقره و لاجورد را باهم ترکیب می‌کردند. این کشفیات نشانگر موجودیت روابط بازرگانی میان آریانا و بین‌النهرین باستان است [13].

وقتی در چهارم نوامبر سال ۱۹۲۲م سرپوش آخرین تابوت یکی از فراعنه مصر باستان برداشته شد، هاوارد کارتر به ماسک طلایی و درخشندۀ یی، که تصویر توت عنخ آمون را داشت، خیره مانده بود؛ روی ماسک طلایی تاج گلی دیده می‌شد، که احتمالاً بیوه جوان فرعون، آنخس نامون روی آن گذاشته بود. کارتر چنان تحت تأثیر قرار گرفته بود، که بعدها نوشت:

«بین آن‌همه شکوه و جلال سلطنتی و آن‌همه عظمت پادشاهی، هیچ چیزی از آن تاج گل زیباتر نبود... آن تاج گل به ما نشان می‌داد، که ۳۳۰۰ سال چه دوره زمانی کوتاهی است». کارتر و سایر باستان‌شناسان طی ده سال بعدی روی بقایای جامعه مصر باستان، که از آرامگاه توت عنخ آمون به‌دست آمده بود، بررسی و تحقیق کردند. به این ترتیب، آن‌ها توانستند برای انسان‌های امروزی اطلاعاتی در مورد زندگی در مصر باستان جمع‌آوری کنند. کشف کارتر بسیار مهم بود؛ زیرا آرامگاه توت عنخ آمون تنها آرامگاهی بود، که از دسترس سارقینی که غالباً شواهد باستانی را تخریب و غارت می‌کردند، در امان مانده بود. در کشف شگفت‌انگیز کارتر آنچه بیشتر از دیگری جلوه‌گری می‌نمود، همانا لاجورد به‌کاررفته در تاج و تزیینات تابوت توت آنخ آمون بود، که بی‌تردید حاکی از موجودیت یک خط سیر تجارتي میان آریانا و مصر باستان می‌باشد [5].



[۲۷] شکل ۴، تابوت توت آنخ آمون، کشف شده ۱۹۲۲م، مزین با لاجورد



[۲۷] شکل ۳، تمثال پیکر توت آنخ آمون

یکی از حوادث خون‌بار و بی‌سابقه‌یی که در اوایل قرن سیزدهم میلادی باعث برهم‌خوردن و متحول‌شدن جریان بازرگانی در آسیای مرکزی، افغانستان، ایران و حتی تمام مسیرهای قدیمی در سراسر آسیا گردید، عبارت بود از حمله سپاهیان چنگیز خان، آن‌گونه که مؤرخان نقل کرده‌اند پیش از وقوع حمله چنگیزیان قرارداد بازرگانی میان سلطان محمد خوارزم‌شاه (امپراتور بخش‌های شرق قلمرو اسلامی) و چنگیز خان (فرمانروای قبایل صحرائشین آسیای مرکزی) منعقد گردیده بود و بر اساس آن، سه نفر از تجار مسلمان با مقداری کالا به دربار چنگیز خان رسیدند و کالاهای خود را به او فروختند. در بازگشت به همراه این جماعت، یک گروه ۴۰۰ تا ۵۰۰ نفری از بازرگانان مغولی به دستور چنگیز خان به سوی قلمرو امپراتوری خوارزم‌شاه حرکت کردند. این عده، که به همراه خود کالاهای تجارتی همچون طلا، نقره، ابریشم، پارچه‌های گران‌بها، مشک و احجار کریمه داشتند، وارد شهر مرزی اترار شدند و بلافاصله مورد بی‌مهری و تجاوز خلاف‌کارانه (غایر خان؛ حاکم اترار) قرار گرفتند، که فاجعه قتل دسته‌جمعی آن‌ها و تاراج کالاهای‌شان موجی از خشم و کین چنگیزخان را برانگیخت و بعد از این واقعه، خان بزرگ مغول، جهانی را در خون و ماتم غرقه کرد. بی‌تردید حمله سپاهیان مغول و تاتار به شهرهای پررونق آسیای مرکزی، افغانستان و ایران، ضربه زهرآگین و ماندگار بر پیکر تمدن، فرهنگ، نیروی انسانی، اقتصاد و به‌ویژه تجارت و داد و ستد در منطقه وارد نمود. اما بازمانده‌گان چنگیز در قلمرو بزرگ مفتوحه او کوشیدند با استفاده از تکنیک‌های خاص امنیتی و ارتباطی، راه‌های بازرگانی را که حتی قبل از یورش سپاهیان چنگیزی، پرخطر و نامطمئن بود، امنیت آن‌را برقرار سازند و زمینه تجارت و داد و ستد را در بخش عظیمی از قاره آسیا فراهم نمایند [6].

در قرن سیزدهم میلادی، زمانی که پولوها (در مسیر سفر شان به مقصد دربار قوبلای قاآن) بعد از پشت سر گذاشتن صحرای ایران از مناطق تحت نفوذ ملاحده عبور و به بدخشان رسیدند، مارکو اندکی بیمار بود و نیکولو و مافئو تصمیم گرفتند جهت بهبود و مداوای مارکو جوان مدتی را در بدخشان بسر برند. پولوها در بدخشان متوجه معادن لاجورد شدند، وقتی پولوها خواستند با فرمانروای محلی در زمینه صدور این سنگ گران‌بها معامله‌یی انجام دهند، دریافتند، که حاکم محلی صدور لاجورد را غرض بلند نگهداشتن بهای آن موقتاً قدغن نموده است [24].

در قرون وسطی، سهل‌ترین راه از دشت‌ها و نیمه‌دشت‌های جنوب آسیای میانه به فلات ایران از طریق یک دهلیز در بین سلسله‌کوه‌هایی بود، که از شمال فلات ایران می‌گذشت. این دهلیز در بین شهرهای مشهد در شمال شرق ایران کنونی و هرات در غرب افغانستان واقع بود. مسیر شمال- جنوب از طریق به اصطلاح دهلیز هرات با دو مسیر عمده شرق- غرب وصل می‌شد، که فلات را می‌پیمود. خط و سیر این دو راه با موجودیت غذا و آب در دوره‌های پیشین مشخص می‌شد. از اینجا مسافر می‌توانست به آسیای میانه و شهرهای باستانی بخارا، سمرقند و ماورای آن‌ها راه خویش را ادامه دهد. این مسیر شاهراه تاریخی ابریشم و همچنین مسیر یک خط آهن معاصر است. راه دوم از مشهد به جنوب شرق افغانستان و به‌ویژه به پاسگاه کهن هرات می‌رود. با ترک این محل تاریخی مسافر می‌تواند به شمال افغانستان رفته و از طریق هندوکش به کابل و وادی اندوس برود. او همچنان می‌تواند از هرات به طرف جنوب و سیستان و به امتداد مرزهای ایران، پاکستان و افغانستان یا جنوب طرف شهر کندهار، برود. از کندهار می‌تواند جانب وسط وادی اندوس یا شمال شرق به سوی غزنی و وادی کابل برود. مسیر یادشده به علت جنگ و بی‌ثباتی دوامدار در افغانستان به فراموشی سپرده شده است. اگر این راه قدیمی، که هنوز مورد استفاده داخلی است، بازسازی گردد و خطوط آهن در این مسیر احداث شود، افغانستان را به شاه‌رگ ترانزیتی آسیای مرکزی و خلیج فارس و همچنین آسیای جنوبی و حوزه کسپین مبدل خواهد ساخت و این فرصت تاریخی و سرنوشت‌سازی خواهد بود برای افغانستان جهت ایجاد وابستگی متقابل میان ما و کشورهای منطقه در جهت ثبات و انکشاف پایدار [16].

اهمیت فرهنگی و اجتماعی راه لاجورد

افغانستان از دورترین ادوار تاریخی با داشتن جایگاه ویژه جغرافیایی خویش حیثیت حلقه ارتباط را بین مدنیتهای شرق و غرب داشته است. این امر سبب گردیده تا ضمن اهداف اقتصادی، اندیشه‌ها و بینش‌های گوناگون در این منطقه آسیا رونق یافته و از اینجا به سرزمین‌های دیگر گسترش یابد؛ چنانچه راه ابریشم، که بزرگ‌ترین شاهراه تجارتی بین شرق و غرب بود، از خاک افغانستان قدیم می‌گذشت و مارکیت‌های بزرگ تجارتی آن‌زمان نیز در نقاط مختلف کشور به وجود آمده بود؛ از آن جمله شهر بلخ مرکز تبادل امتعه هندی از قبیل عاج، مروارید، پارچه‌های نخی و غیره مال تجارتی چین مانند ابریشم و منسوجات ابریشمی، ادویه‌ها و کالاهای اروپایی بود. همین‌گونه افکار، نظریات فلسفی و مذهبی مدنیتهای شرق و غرب در این کشور ملاقی گردیده و پس از آمیزش به صورت تکامل یافته آن به سایر نقاط جهان انتشار می‌یافت. به موجب این موقعیت حساس جغرافیایی بود، که مورخان و جغرافیا نگاران، کشور باستانی افغانستان را مرکز تقاطع (Cross road) می‌دانستند و نظر به جلال و شکوه آن شهر زیبای بلخ را مروارید شرق (Jewel of the east) می‌نامیدند. چنانچه هنگامی که اسکندر مقدونی در سال ۳۳۶ میلادی به این سرزمین هجوم آورد، فصل جدیدی در تاریخ افغانستان بازگردید، به این مفهوم که یونانی‌ها پس از حملات اسکندر مدتی در آریانا مسکن گزیدند. به این ترتیب تماس آنها در فرهنگ، اوضاع اجتماعی و فکری و بالاخره در مدنیت این خطه تأثیرات مهم گذاشت و نتیجه چنان شد، که یونانی‌ها باختری شده، توأم با مردم این کشور یک مدنیت جدید را پایه گذاری نمودند. این مدنیت که از اختلاط دو فرهنگ و تمدن آریایی و یونانی به میان آمده بود به نام مدنیت یونان و باختری (Greco Bactrian) شهرت یافته و این سرزمین در آن‌زمان به یک دولت باختری یا باختر مسمی بود. تأسیس امپراتوری پنهانور و مقتدر کوشانی‌ها، ترقی و انتشار بودیزم در قرن دوم میلادی فصل درخشان دیگری از تاریخ کشور ما را تشکیل می‌دهد، که تحال بقایای از شهرها و معابد بودایی آن‌روزگار را در نقاط مختلف افغانستان مشاهده کرده می‌توانیم [25].

در اواخر عصر دیرینه‌سنگی، فرهنگ بشر نیز دچار پیچیده‌گی شد و اساساً فرهنگ آنان هنوز از برخی فرهنگ‌های قبیله‌ای امروز هم تشخیص ناپذیر است. یان تاترسال می‌نویسد: «در سراسر جهان قرن حاضر جوامعی وجود داشته‌اند، که حقیقتاً همه فناوری‌ها و برنامه‌های اقتصادی به وجود آمده در آغاز دیرینه‌سنگی جدید را به کار می‌گرفته‌اند» [23].

از شواهد باستان‌شناسی چنین بر می‌آید، که بعد از عصر سنگ انسان‌های اولیه در قلمرو افغانستان امروزی شروع به زندگی اجتماعی نموده و سیر تکامل فرهنگ این سرزمین را تا ورود بودیزم به میزان بالایی از رشد رسانیدند. از جمله کهن‌ترین زیستگاه‌های انسان‌های نخستین، که پیشینه آن به حدود بیش از ۵۰ هزار سال قبل برمی‌گردد، وادی هزارسم در سمنگان با صدها مغاره، به طول ۱۶ کیلومتر و در مسیر یکی از راه‌های کاروان‌رو قدیمی که چین و هند، ایران و روم را به یکدیگر متصل می‌ساخت می‌توان نام برد. این منطقه در ۲ کیلومتری شمال غرب شهر ایبک (مرکز ولایت سمنگان) بین دو مرکز بودایی آن‌زمان یعنی ایبک در شمال و بامیان در جنوب هندوکش واقع است [15].

در عصر مسافرت هیون تسنگ، که هنوز آثار فتوحات اسلامی به این سرزمین نرسیده بود در تمام ولایات شمالی و شرقی مملکت کیش بودایی رواج داشته و معابد آن در شهرها و مراکز مهم معمور بود و هزاران نفر راهبان این آیین در آن منزوی بودند. تنها در معبد نواسنگه‌ارامه (نوبهار) پوهو (بلخ) یک لگن و یک دندان و یک جاروب و یک مجسمه بودا، که همه مرصع به جواهر گران‌بها بودند وجود داشت. آن پرستشگاه مملو از امتعه نفیس و ارجمند بود، که پسر شاهو خان (یفتلی) برای غارت آن اموال به بلخ حمله نمود [10].

اگر یورش مغولان و حملات تیمور به خراسان صورت نمی‌گرفت، در دنیای قدیم تنها، بیزانس شرقی (قسطنطنیه) بود که با دست‌آوردها و کتابخانه‌هایش با مراکز علمی و فرهنگی خراسان قابل مقایسه بود. ثروت و قدرت امپراتوری بیزانس، به قسطنطنیه نقش مهمی در شکل دهی تاریخ اروپا داده بود، نخست آن‌که فرهنگ باستانی یونان و روم را، که تمدن مدرن غربی بر آن مبتنی است، حفظ کرد. نسخ نوشته‌های کلاسیک ارسطو، افلاطون، سوفوکل، ویرژیل، اُوید و بسیاری دیگر، که در خلال جنگ‌های پیش و پس از سقوط روم در اروپای غربی غالباً گم شده یا از بین رفته‌بود، در کتابخانه‌های بیزانس سالم ماند. به گفته استروگورسکی «بیزانتیوم، که در سنت یونانی ریشه داشت، برای یک هزار سال مهم‌ترین پایگاه فرهنگ و معرفت در دنیای قرون وسطی باقی‌ماند.» بالاخره، آموزگاران و دانش وران بیزانسی فراهم آورنده خوراک فکری ای بودند که رنسانس را تغذیه کرد. افزون بر آن، ترجمه عربی آثار کلاسیک از این امپراتوری از طریق اسپانیا و سیسیل، که در تصرف مسلمانان بودند به اروپای غربی راه یافت [19].



بکره های باختری نراس یافته از لاجورد، هرات، دوم بیس از میلاد



نقاشی ۴۵۰ میلون دالری لیوناردو داوینچی که در آن رنگ لاجورد افغانستان بکار رفته

شکل ۶. پیکره های باختری از لاجورد، هزاره دوم پیش از میلاد

شکل ۵. نقاشی لیونارد داوینچی با رنگ لاجورد افغانستان

از جمله مهم ترین کانون های بزرگ علمی- فرهنگی پیش از اسلام و بعد از ورود اسلام در خراسان و سرزمین های ماحول آن بدون تردید یکی آن هرات می باشد، این شهر طبق روایات تاریخی پیش از ورود اسکندر در این منطقه معمور بوده و البته اسکندر طرح ساخت اسکندریه ای (شهری که بانی آن اسکندر باشد) را برای اهالی این منطقه پیشنهاد نمود و خواست تا برگشت او از سفر (چین) این شهر باید آنگونه که او می خواست ساخته شود. البته در درازنای تاریخ این شهر گذرگاه و زیستگاه جهان گشایان، دانشمندان، عارفان، هنرمندان و بازرگانان بسیاری بوده است. اندیشه ها و فرقه های مهم تصوف اسلامی ریشه در جهان بینی پویای این خطه دارد، که از اینجا به بخش های دیگر قلمرو اسلامی پرتو افشانی نموده اند [11].

به گفته مقدسی، هرات از صده هفتم میلادی به بعد در قسمت شرقی به دروازه تجارتی خراسان به جوانب دیگر مبدل شده بود، درحالی که از سمت شمال با (مرو) مرکز دیگر سیاسی و اقتصادی خراسان پیوستگی داشت و راه تجارت بخارا هم جنوباً با این شهر می پیوست. بخارا در اوایل دوره اسلامی به تجارت و بازرگانی شهرت خاصی داشت. تاجایی که اعراب آن را مدینه التجار (شهر بازرگانان) می گفتند. هرات از سمت جنوب با سیستان و رخد پیوند داشت و همواره از جرجانیة خوارزم کاروان های تجارتی به خراسان و گرگان می آمدند، همچنین به گفته ابن حوقل، لباس نخی و پشمی آن به آفاق جهان صادر می شد و بازرگانان آن با ممالک شمالی نیز تجارت می نمودند. هرات همچون نگین خراسان و محل تقاطع راه های قافله های تجارتی بود، به گفته اصطخری، هرات فرودگاه محمولاتی بود که از پارس به خراسان نقل می شد، به این ترتیب هرات برعلاوه جایگاه معنوی و فرهنگی در آغازین سده های ورود اسلام به خراسان، دروازه ورودی و خروجی محموله ها و کاروان های بازرگانی خراسان به جانب شمال، جنوب، شرق و غرب بود [9].

از میان فیلسوفان بزرگ در تاریخ اسلام و حتی جهان می توان از ابوعلی سینای بلخی، فارابی و ناصر خسرو بلخی نام برد، ناصر خسرو که در سیر تکامل و انتقال اندیشه های اسماعیلیه در خراسان نقش کلیدی داشت. فارابی و ابن سینا، که ضمن بررسی آثار فلسفه یونان داشته های آن را با کلام و علوم اسلامی آمیختند و اینها و ده ها اندیشمند دیگر مانند شان در این خطه، از جمله پیشگامان گفتمان عقلی و فلسفی در جهان اسلام بودند [1].

بلخ در گذشته نیز از نگاه اقتصادی و تجاری آباد بوده و زمین در این شهر به بهای بالا خرید و فروش می شده است و مردمانی از ملیت های مختلف نظیر هندی، چینیایی و دیگران در این شهر به تجارت می آمدند و گاهی ساکن آن می شدند. معبد نوبهار بلخ مرکز بزرگ بودایی در خراسان و آسیای میانه شمرده می شد، بلخ همانند هرات و قندهار، چهار راه هند، چین، ایران و ماوراءالنهر بوده و دست آوردهای فرهنگ و مدنیت خراسان، در این شهر به کمال و شکوه خود رسیده و از جمله نمونه های درخشان آن یکی هم مولاناست که از این خطه برخاست و جهانی را درنوردید و هنوز از وراء قرن ها دلها و جانهای بسیاری را با نور عشق و معرفت گرم و صفا می بخشد [26].



شکل ۷، تصویر راست بخشی از چنگ ملکه سبا، بشکل سر گاو مزین با لاجورد بدخشان، بین‌النهرین باستان
تصویر سمت چپ متعلق به مجسمه فرعون مصر باستان که با لاجورد بدخشان افغانستان زینت یافته است.

اهمیت سیاسی و منطقوی راه لاجورد

آنگونه که اشاره شد افغانستان باستان با داشتن موقعیت بی‌مانند جغرافیایی خویش حیثیت مرکز ارتباط را بین مدنیت‌های شرق و غرب داشت، جغرافیای سیاسی این کشور نیز از قدیم با عبور و مرور جهان‌گشایان و بازرگانان در پیوند بوده است. چنانچه راه ابریشم، که بزرگترین شاهراه تجارتی قدیم میان شرق و غرب بود از خاک افغانستان باستان می‌گذشت، بنابراین مارکیت‌های تجارتی آن‌زمان نیز در نقاط مختلف کشور به‌وجود آمده بود، از آن‌جمله شهر بلخ مرکز تبادله امتعه هندی از قبیل عاج، مروارید، پارچه‌های نخی و نیز اموال بازرگانی چین مانند ابریشم، منسوجات ابریشمی، ادویه و امتعه اروپایی بود. از طرف دیگر افکار، نظریات فلسفی، و مذهبی مدنیت‌های شرق و غرب چون میترایی، زردشتی، بودایی، یونانی، اسلامی و غیره در این کشور ملاقی شده‌اند و بعد از اختلاط به‌صورت انکشاف یافته آن به سایر نقاط جهان انتشار می‌یافت. روی این جایگاه ویژه جغرافیایی بود که تاریخ نگاران و جغرافیا نگاران معروف جهان، افغانستان باستان را مرکز تقاطع فرهنگ‌ها و مدنیت‌ها می‌دانستند و جلال و شکوه بلهیکا، هری، گندهارا، کابلستان، بدخشان و سایر کانون‌های فرهنگی و تمدنی این خطه در آثار کهن بازتاب یافته است [14].

مطابق گفته‌های برخی از دانشمندان در هزاره دوم قبل از میلاد یعنی ۱۵۰۰ سال قبل از گشوده شدن راه ابریشم، راه‌های دیگری موجود بوده، چنانچه سنگ‌های گران‌بهایی مانند لاجورد از بدخشان به بابل باستان و مصر آورده می‌شد. همچنین ادویه و عطریات بین کشورهای عربی و کشورهای شمالی، شرقی و غربی مبادله می‌شد. شواهد موثق وجود دارد که صدها سال قبل از راه ابریشم، لاجورد بدخشان افغانستان از طریق راه‌های قدیم به غرب و شرق تجارت می‌شد. لاجورد بدخشان از جمله عمده‌ترین قلم صادراتی افغانستان به سایر بلاد عالم در آن دوره شمرده می‌شد. چنانچه کشف لاجورد از مقبره سلاله (اور) در بین‌النهرین، کاشان ایران و مقبره توت انخ آمون از فراعنه مصر که بالترتیب به ۳۵۰۰ و ۱۴۰۰ قبل از میلاد تعلق می‌گیرد، گواه این مدعاست، حتی راه‌های دریای اکسوس و اندوس قدامت بیشتر تاریخی نسبت به راه ابریشم دارد [7].

اما انزوای اجباری و ناخواسته برای کشور ما، از زمانی آغاز می‌شود، که از جنوب انگلیس‌ها و از شمال روسیه تزاری افغانستان را در یک تنگنای تاریخی قرار داده و مسیرهای عمده ترانزیتی سنتی را اشغال می‌کنند و هردو قدرت جهانی سعی می‌کنند تا یکدیگر را در آنسوی مرزهای افغانستان متوقف و افغانستان را قربانی منافع اقتصادی و سیاسی خویش نمایند. چنانچه انگلیس‌ها در تقسیم بندی جهان، کارآمدتر از کشورهای دیگر بودند. آنها مدت‌ها قبل شبه قاره هند (در همسایگی افغانستان قرن نوزده) را در چنگ خود داشتند. روسها هیچ مستعمره ماوراء دریایی نداشتند، ولی امپراطوری شان بسیار گسترده بود و هنوز کارخانه‌های زیادی در آن ساخته نشده بود. آنها در پی آن بودند تا نفوذ خود را

در سراسر آسیا گسترش دهند و به دریا برسند و از آنجا تجارت خود را دنبال کنند. در شرق دور راه آنها را شاگردانی که از اروپایی ها خوب درس گرفته بودند، یعنی ژاپنی ها مسدود کردند. سپس روسها در قرن بیستم خواستند تا رویای رسیدن به جنوب آسیا را از طریق افغانستان به واقعیت مبدل کنند، که این حادثه هم برای افغانستان نهایت ویرانگر بود و هم برای روسها کابوس وحشتناکی بود که به تدریج سبب فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی گردید [20].

جهد مردم افغانستان علیه ارتش شوروی فرصتی شد برای قدرت‌های غربی و کشورهای خاورمیانه تا با دستان بازتر و درازتر از قبل به عملی ساختن برنامه‌های خود، در ضمن جهد در داخل افغانستان و به‌ویژه از طریق پاکستان بپردازند. گرچند اکثر مقامات پاکستان در نیم قرن اخیر، از جمله پرویز مشرف رئیس جمهور اسبق پاکستان استدلال می‌نمود، که ثبات در افغانستان به نفع پاکستان است و افغانستان در پیشرفت اقتصادی خود به پاکستان وابسته می‌باشد. به قول مشرف: افغانستان محاط به خشکه برای دسترسی به جهان به پاکستان وابسته است. جمهوری های آسیای مرکزی نیز برای تجارت و فعالیت‌های بازرگانی با جهان نیاز به راه دارند. اگر افغانستان اثبات شود و اجازه ترانزیت کالاهای تجارتی و بازرگانی را از خاکش دهد، تمام منطقه منفعت اقتصادی خواهد برد. در این میان پاکستان بزرگترین بهره برداری را خواهد کرد. یقیناً ثبات سیاسی و انکشاف افغانستان زمینه احداث بزرگترین پروژه‌های راه سازی و ترانزیتی منطقوی را که نسبت بی‌ثباتی و جنگ در افغانستان در نیم قرن اخیر معطل بوده است دوباره فراهم خواهد ساخت. راه لاجورد می‌تواند به‌عنوان یکی از این پروژه‌های بزرگ منطقوی مطرح گردد [3].

بزرگ‌راه لاجورد از آن جهت برای افغانستان حیاتی است، که ما را نسبت نداشتن راه‌بهری، از وابستگی یک جانبه به پاکستان و ایران نجات می‌دهد و انکشاف اقتصادی و استقلالیت سیاسی ما را بیشتر تضمین می‌کند. اگر ما راه‌های هوایی، زمینی و آبی را برای حمل کالاهای تجارتی به مقایسه بگیریم، واضح است که راه‌های آبی، مناسب‌ترین راه قابل حمل کالاهای تجارتی می‌باشند. از این منظر، کشورهای جهان، عمدتاً به دو دسته تقسیم می‌شوند. دسته اول؛ کشورهای هستند که دارای سواحل آبی بوده و به اقیانوس‌های آزاد راه دارند. دسته دوم؛ عبارت از کشورهایی که محاط به خشکه بوده و از داشتن راه‌ها و سواحل آبی محروم اند.

وجود سواحل آبی در هر کشوری، یک امتیاز و فرصت عالی شمرده می‌شود. اما کشورهای زیادی نیز وجود دارند که از لحاظ جغرافیایی محاط به خشکه بوده و از داشتن نعمت سواحل آبی محروم اند و از جهت حمل کالاهای تجارتی و مسافرتی از طریق راه‌های بحری، در مشکلات شدیدی بسر می‌برند. حتی بسیاری از کشورهای محروم از آبراه‌ها، مانند افغانستان، ناچار اند، که به کشورهای همسایه دارای سواحل آبی مظلومانه باج دهند. باید یاد دهانی نمود که حقوق دانان و نظریه پردازان منصف، همواره اعلام نموده اند، که آب‌های بین‌المللی و هوا در ملکیت هیچ کس یا دولتی نبوده، بلکه متعلق به همه بشریت و بهره‌مندی از آن حق همه‌گانی می‌باشد. این دیدگاه نقطه آغاز تحرک جمعی کشورهای بدون ساحل آبی به قبل از برگزاری کنفرانس حقوق اقیانوس‌ها بین دهم تا چهاردهم فبروری ۱۹۵۸ میلادی در ژنو سویس برمی‌گردد. سویس از کشورهای محاط به خشکه درخواست کرد تا قبل از تشکیل جلسه مجمع عمومی سازمان ملل، در ژنیو جمع شوند و نظریات خود را هماهنگ سازند تا بتوانند حقوق خویش را در مجمع جهانی مطرح و به ثبت برسانند. نتیجه کنفرانس ژنیو که سند آن به سازمان ملل سپرده شد دارای شش اصل ذیل بود:

۱. حق دسترسی آزادانه به اقیانوس‌ها
 ۲. حق داشتن پرچم کشتی‌رانی
 ۳. حق آزادی کشتی‌رانی در بستر اقیانوس‌ها
 ۴. برخورداری از حق رفتار متساوی در اسکله‌ها
 ۵. حق آزادی عبور (ترانزیت) اشخاص یا مال‌التجاره از کشورهای همسایه
 ۶. حق کشورهای ترانزیت در مورد اجرای قوانین مربوط به وسایل نقلیه و امور خدمات صحتی عمومی.
- مطالبات اصول شش‌گانه مذکور به کمیسیون پنجم کنفرانس حقوق اقیانوس‌ها تحت غور و بررسی قرار گرفت.
- کشورهای محاط به خشکی جهان که تعداد شان به ۴۳ کشور می‌رسد عبارت اند از: افغانستان، تاجیکستان، ازبیکستان، قزاقستان، ترکمنستان، قیرقیزستان، مغولستان، بلاروس، آذربایجان، ارمنستان، بوتان، لائوس و نیپال که در آسیا قرار دارند. کشورهای افریقایی محصور در خشکی عبارت اند از: اتیوپی، اوگاندا، بورکینا فاسو، جمهوری افریقای مرکزی، چاد، رواندا، زامبیا، زیمبابوه، لسوتو، کنگو، مپوتو اسوازیلند، مالاوی، مالی

و نیجیر. ممالک اروپایی محدود به خشکی عبارت اند از: اتریش، اسلواکی، چک، مقدونیه، سان مارینو، سوئیس، لیختن اشتاین، لوگزامبورک، مجارستان، صربستان و واتیکان. کشورهای محدود به خشکی در قاره آمریکا عبارت اند از: برونزی، بوتسوانا، بولیوی و پاراگوئه [2].

اما تنها وصل بودن به آبهای آزاد بین‌المللی برای انکشاف اقتصادی و حیثیت سیاسی بسنده نیست، در کشورهای متمدن جهان داشتن جاده‌های ترانزیتی داخلی برای توسعه اقتصادی و حفظ خودمختاری سیاسی از قرن‌ها پیش جداً مطرح بوده است. آنتونی مارکز و گراهام تینگلی در کتاب‌شان به نام رومیان می‌نویسند: «رومیان شبکه جاده‌های خود را بر حسب ضرورت نظامی گسترش دادند. ساخت اولین جاده مهم، و یا آپیا در سال (۳۱۲ ق.م) آغاز شد. این جاده در امتداد جنوب، از روم به کاپوا می‌رفت و ساختش صد سال طول کشید. پروکوپئوس مورخ آن را یکی از بزرگ‌ترین مناظر چشمگیر جهان خوانده است. بعدها، بقایای همین راه‌ها، شالوده جاده‌ها و راه آهن‌های مدرن اروپا شد. این جاده‌ها علاوه بر کمک به نقل و انتقال نیروها، تغییرات دیگری نیز برای رومیان به همراه داشت. تاجران در پی سپاهیان راهی می‌شدند تا به سربازان و سپس ساکنین ایالات جدید جنس بفروشند. تجارت رونق گرفت و مردم و کالاها در اسرع وقت به دورترین نقاط امپراتوری می‌رسیدند. بنابراین، داشتن زیربنای ترانزیتی داخلی در قرن ۲۱ برای هر کشوری مهم‌ترین شالوده رشد اقتصادی پایدار و متضمن اقتدار سیاسی شمرده می‌شود [22].

در مقایسه با اروپای قرون وسطی، در کشورهای اسلامی در بخش توسعه و ساخت جاده‌های ترانزیتی از جمله در دوره خلفای عباسی توجه صورت نگرفت. گرچند امپراتوری عباسیان با شبکه‌های بازرگانی گسترده اش تحت اقتدار یک خلیفه بود. تمام قدرت، دست‌کم در تئوری از خلیفه نشئت می‌گرفت. اگر خلفا تصمیم می‌گرفتند امکانات ساخت جاده‌های بزرگ در اختیار شان بود. خلفای عباسی به علت نبود وسایط ترانسپورتی ماشینی در آن دوره از ساخت جاده‌های طولانی و پیشرفته معذور بودند. اما شاهان و رهبران افغانستان در قرن ۱۹ و ۲۰ با تغافل و بی مسئولیتی شان نسبت به این سرزمین هم کشور را از آبهای آزاد بین‌المللی محروم کردند و هم در ساخت جاده‌های داخلی توجه لازم می‌ذول نداشتند [18].

فعالیت و انکشاف بزرگ‌راه لاجورد نه تنها برای افغانستان حیاتی شمرده می‌شود، بلکه این گفتمان، مجدداً توجه قدرت‌های بزرگ جهانی و سرمایه‌گذاران بین‌المللی را به این حوزه معطوف می‌دارد. کشمکش که امروز بر سر منابع آسیای میانه، حوزه کسپین و قفقاز جریان دارد از قرن‌ها پیش آغاز شده بود. از رقابت میان امپراتوری روم شرقی، عثمانی‌ها و روسیه تزاری الی رقابت امریکایی‌ها، اروپایی‌ها و روسها جهت دسترسی بیشتر به بازارها و منابع سرشار زیر زمینی، راه‌های ترانزیتی اوراسیا به اهمیت سیاسی و اقتصادی این منطقه وسیع افزوده است [4]. اگر الگوی معاصر تجارت بین‌المللی، مقتضیات تاریخی را منعکس می‌نماید، دولت‌ها ممکن است به این نتیجه برسند، که منافع شان ایجاب می‌نماید که مزیت‌هایی را خلق کنند که در دراز مدت منجر به سود اقتصادی شان گردد. اگرچه بازدهی سیاست‌های تجارت استراتژیک اغلب ناچیز است و در حاشیه قرار دارد. اما منطقه گرایی در زمینه اقتصادی و سیاسی هنوز فرصت تازه و بالقوه برای رشد اقتصادی و ثبات سیاسی دراز مدت بوده و زمینه‌های ترانزیتی و رفت آمد بازرگانان و گردشگران میان کشورهای شامل سازمان‌های منطقوی را تضمین می‌کند. افغانستان نیز با ظرفیت‌های بالقوه که در زمینه‌های معادن و ترانزیت دارد، می‌تواند نقش مثبت و محوری را در معادلات منطقوی و از جمله راه لاجورد داشته باشد [12].



[۲۷] شکل ۸، مراسم افتتاح بزرگراه جدید لاجورد توسط رئیس جمهور غنی، هرات ۲۲ قوس ۱۳۹۷



[۲۷] شکل ۹، نقشه خط و سیر راه لاجورد جدید



[۲۷] شکل ۱۰، خطوط ترانزیت زمینی افغانستان

نتیجه‌گیری

افغانستان امروز، با پیشینه تاریخی شگفت‌انگیز، طبیعت ثروتمند، مردمان خون‌گرم و صمیمی، نه تنها خود همواره تجلی‌گاه عرفان، دانش، فرهنگ و تمدن بشری بوده، بلکه پیوند دهنده و انتقال‌دهنده ارزش‌های والای جهانی به سرزمین‌ها و جوامع دیگر نیز بوده است. ارزش و اهمیت لاجورد این سرزمین در معادلات جهان کهن هیچ کاستی و کوتاهی از ابریشم چین نداشت، همانگونه که راه ابریشم جدید به‌عنوان یک مسیر بین‌المللی در جهان معاصر مطرح می‌گردد، بزرگ‌راه جدید لاجورد نیز می‌تواند با الهام گرفتن از ریشه‌های تاریخی این مرز و بوم به‌عنوان یک مسیر جدید ترانزیتی و حوزه گفتمان تمدنی و فرهنگی مطرح گردد. از آغاز قرن بیستم یکی از بن‌بست‌های کلان که سد راه انکشاف اقتصادی و چالش اساسی در برابر اقتدار سیاسی افغانستان مطرح بوده است، عبارت از متصل نبودن مستقیم افغانستان به مسیرهای آبی بین‌المللی می‌باشد. گشایش راه لاجورد می‌تواند به‌عنوان دریچه‌ای از امید و روشنی برای افغانستان محاط به خشکه باشد، که سالها وابسته و منت‌دار همسایه‌های جنوبی و جنوب غربی خویش بوده است. راه لاجورد برعلاوه آنکه افغانستان را در نهایت به اروپا وصل می‌کند، فرصت‌های جدیدی را در حوزه بزرگی که در امتداد این راه قرار دارند در اختیار افغانستان قرار می‌دهد. این راه که در خاک افغانستان از بندر آقینه در شمال و تورغندی در غرب آغاز می‌شود، با عبور از خاک ترکمنستان به بندر ترکمن‌باشی در کرانه شرقی بحیره کسپین می‌رسد، محموله‌های صادراتی از افغانستان بعد از تخلیه و حمل در کشتی، کسپین را عبور و در کرانه غربی بحیره کسپین به شهر باکو پایتخت آذربایجان می‌رسد، این محموله‌ها بعد از بارگیری مجدد در باکو، می‌تواند تمام مسیر خود در خاک آذربایجان و گرجستان را در خشکی پیموده و مستقیماً وارد سواحل شرقی بحیره سیاه در انتهای خاک گرجستان شود، از اینجا به بعد محموله‌ها می‌تواند در بحیره سیاه چندین مقصد را در پیش گیرد، از جمله به مقاصد ترکیه، سوچی روسیه، تنگه بسفورس، حوزه بالکان و اروپا. همچنین نیازمندی‌های افغانستان نیز می‌تواند از این مسیر وارد کشور شود. در پایان این مطالعه، بنده پیشنهادهای ذیل را جهت چگونگی استفاده بهتر از بزرگ‌راه لاجورد لازم می‌دانم:

- ۱) مطالعه علمی و حرفوی امکانات موجود در کشورهای مسیر لاجورد، از جمله بازارهای فروش داشته‌ها و تولیدات افغانستان.
- ۲) مطالعه علمی ظرفیت‌های بالقوه افغانستان در بخش معادن، محصولات زراعتی و غیره جهت صدور از مسیر لاجورد.
- ۳) ایجاد تأسیسات بندری و گمرکی مجهز و معیاری در داخل افغانستان و همچنین بازسازی و انکشاف شاهراه حلقوی کشور.
- ۴) عقد قراردادهای تفاهم‌نامه‌ها میان افغانستان و کشورهای حوزه لاجورد جهت تسهیل امورات گمرکی، ویزا و غیره.
- ۵) امضای پیمان‌نامه‌های امنیتی، تبادل اطلاعات و همکاری سیاسی میان افغانستان و کشورهای واقع در مسیر لاجورد.
- ۶) امضای تفاهم‌نامه فرهنگی و جستجوی فرصت‌های تحصیلی و شغلی برای جوانان افغانستان در کشورهای حوزه لاجورد.
- ۷) مطرح ساختن راه لاجورد به‌عنوان یک گفتمان ملی و منطقوی جهت بازسازی هویت و اقتدار ملی و منطقوی افغانستان.

منابع و مراجع

- ۱- ابراهیم. (۱۳۸۸ هـ.ش). تاریخ سیاسی اسلام. (ا. پاینده، مترجم) تهران: انتشارات بدرقه جاویدان، ص ۸۰۴.
- ۲- امیری، ر. و. (۱۳۹۲ هـ.ش). جغرافیای سیاسی جهان. کابل: انتشارات سعید، ص ۱۰۳، ۱۰۰.
- ۳- اندیشمند. (۱۳۹۱ هـ.ش). ما و پاکستان. کابل: بنگاه انتشارات میوند، ص ۵۴۵.
- ۴- انصاری. (۱۳۹۰ هـ.ش). انصاری. کابل: بنگاه انتشارات میوند، ص ۱۴۶، ۱۳۸.
- ۵- برندا. (۱۳۸۰ هـ.ش). مصر باستان. (آ. یاسایی، مترجم) تهران: انتشارات ققنوس، ص ۱۲، ۱۱.
- ۶- پناهی. (۱۳۷۶ هـ.ش). چنگیز خان چهره خونریز تاریخ. تهران: انتشارات حافظ نوین، ص ۱۱۶.
- ۷- پنجشیری. (۱۳۸۷ هـ.ش). افغانستان و راه ابریشم. کابل: انتشارات میوند، ص ۳۴، ۳۵.
- ۸- تالقانی. (۱۳۶۱ هـ.ش). افغانستان ماقبل آریاییها. کابل: ریاست کمیته دولتی طبع و نشر جمهوری دموکراتیک افغانستان، ص ۱۳۶، ۱۳۵.
- ۹- حبیبی. (۱۳۸۶ هـ.ش). تاریخ افغانستان بعد از اسلام. کابل: بنگاه انتشارات میوند، ص ۴۸۷، ۴۷۷.
- ۱۰- حبیبی. (۱۳۹۰ هـ.ش). جغرافیای تاریخی افغانستان. کابل: بنگاه انتشارات میوند، ص ۶۱، ۶۰.
- ۱۱- خلیلی. (۱۳۸۳ هـ.ش). آثار هرات. تهران: انتشارات عرفان، ص ۳۵، ۲۶.
- ۱۲- دبلیو. (۱۳۸۴ هـ.ش). سیاست خارجی امریکا (الگو و روند). (ا. دستمالچی، مترجم) تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ص ۳۵۳، ۳۴۸.
- ۱۳- سویشر. (۱۳۸۷ هـ.ش). خاور نزدیک باستان. (ع. بهرامی، مترجم) تهران: انتشارات ققنوس، ص ۶۱.
- ۱۴- عارض. (۱۳۸۹ هـ.ش). سرحداث و تقسیمات اداری افغانستان در طول تاریخ. کابل: نشر ختیخء بیارغونی مؤسسه (کور)، ص ۴۴.
- ۱۵- عظیمی. (۱۳۹۴ هـ.ش). میراث فرهنگی و گردشگری در افغانستان. کابل: بنگاه نشر نگار، ص ۶۶.
- ۱۶- فوگیلسنگ. (۱۳۹۱ هـ.ش). افغانستان امروزی. (ل. زاد، مترجم) کابل: انتشارات سعید، ص ۳۰.
- ۱۷- کهزاد. (۱۳۸۷ هـ.ش). تاریخ افغانستان. کابل: بنگاه انتشارات میوند، ص ۱۹، ۱۸.
- ۱۸- کورزین. (۱۳۸۶ هـ.ش). امپراتوری اسلامی. (م. حقیقت‌خواه، مترجم) تهران: انتشارات ققنوس، ص ۶۴.
- ۱۹- کوریک. (۱۳۹۲ هـ.ش). امپراتوری بیزانس. (م. حقیقت‌خواه، مترجم) تهران: انتشارات ققنوس، ص ۱۱، ۱۰.
- ۲۰- گامبریچ. (۱۳۸۹ هـ.ش). تاریخ جهان. (ع. رامین، مترجم) تهران: نشر نی، ص ۳۷۳.
- ۲۱- لی. (۱۳۹۲ هـ.ش). عجایب تاریخی افغانستان. (س. م. حسینی، مترجم) کابل: مؤسسه نشراتی رحمت، ص ۱۴، ۹.
- ۲۲- ناردو. (۱۳۸۳ هـ.ش). جمهوری روم. (س. سمی، مترجم) تهران: انتشارات ققنوس، ص ۳۸.
- ۲۳- نتسلی. (۱۳۹۱ هـ.ش). عصر حجر. (ع. بهرامی، مترجم) تهران: انتشارات ققنوس، ص ۱۰۴.
- ۲۴- هال. (۱۳۸۳ هـ.ش). سفرهای مارکو پولو. (ف. ج. کلام، مترجم) تهران: انتشارات ققنوس، ص ۶۰، ۵۹.
- ۲۵- وجدان. (۱۳۹۵ هـ.ش). از آریانای کهن تا افغانستان امروز در یک نگاه. کابل: انتشارات سعید، ص ۱۱، ۱۰.
- ۲۶- ولوی. (۱۳۸۳ هـ.ش). تاریخ علمای بلخ (جلد اول). مشهد: نشر آستان قدس رضوی، ص ۲۳، ۲۰.
- ۲۷- تصاویر از سایت گوگل (Google) برگرفته شده. مورخ: ۱۳۹۷/۱۰/۲۸ هـ.ش).